

تحلیل و بررسی رساله مآثر الصدريه ميرزا علينقى نائينى در مدح ميرزا آقا خان نورى دومين صدر اعظم دوره ناصرى

شهلا مقدم (نويسنده مسؤل)

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران
pariaghebati@gmail.com

دکتر سيد ماهيار شريعت پناهی

استاد یار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران
Mahyar.shariatpanahi@gmail.com

دکتر سيد حسين رئيس السادات

استاد یار دانشگاه بیرجند
s.h.reais alsadat@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۲ - صفحه ۱۹۰-۱۶۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۰

چکیده

دودمان قاجاریه و دوره پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه، از مهم ترین فراز های تاریخ معاصر ایران بشمار می رود و جایگاه صدارت اعظمی در ساختار سیاسی این دوره، از اهمیت خاص برخوردار است. میرزا آقاخان نوری دومین صدر اعظم دوره ناصری است که شخصیت و اقدامات سیاسی وی، دستخوش اتهامات و قضاوت های عمدتاً منفی شده است. برخلاف داوری های منفی نسبت به وی، میرزا علینقی نائینی از جمله نویسندگان و رجال سیاسی دوره قاجار در رساله کوتاه مآثر الصدريه از وی دفاع کامل نموده است. هدف این مقاله پژوهشی آن است که این رساله را تحلیل و بررسی نموده و سپس همخوانی و یا تعارض آن را با دیگر مستندات تاریخی نمایان سازد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که برخی دفاعیات نائینی از وی، با دیگر منابع تاریخی منطبق و بعضاً مغایرت اساسی دارد. این مقاله به تحلیل رساله مآثر الصدريه در مدح ميرزا آقا خان نوری می پردازد.

واژگان کلیدی: قاجار، رساله مآثر الصدريه، نائینی، میرزا آقا خان نوری، ناصر الدین شاه

مقدمه

رساله مآثر الصدريه ، نوشته ميرزا علينقى نائینی (مُشير لشکر) ، از عالمان و منشیان و رجال سیاسی دربار ناصرالدین شاه است که در ۱۲۳۷ش (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۱ / ۵۶) و یا ۱۲۴۵ش ۱ تألیف و اطلاعات تاریخی مفیدی را از دوران نویسنده آن به دست می دهد که بر فضل نگارنده در زبان و ادب دلالت می کند . نویسنده رساله را ، استاد و متفقهی مُحْتَشَم بلکه مجتهدی مُسَلَّم ذکر نموده اند . (اعتماد السلطنه ، المآثر و الآثار ، ۱۳۷۴ : ۱ / ۲۶۳) وی در این رساله برخلاف سایر منابع تاریخی ، به دفاع تمام قد از صدر اعظم ميرزا آقاخان نوری دومین صدر اعظم ناصری پرداخته است که هفت سال (۱۲۳۷-۱۲۳۰ش) درصداً باقی ماند . پیرامون شخصیت سیاسی و اجتماعی ميرزا آقاخان نوری ، بیشتر منابع تاریخی دوره قاجار و بعد از آن ، نظر مساعدی ندارند و او را متهم به توطئه در قتل امیر کبیر ، از دست دادن هرات و معاهده پاریس ، وابستگی و طرفداری از سیاست انگلیس ، ارتباط با بهائیت و جریان فراماسونری و خائن ترین خائنان ادوار تاریخ ماقبل معاصر ایران ، معرفی نموده اند . (آدمیت ، امیرکبیر و ایران ، ۱۳۶۲ : ۷۵۹) یگانه منبعی که برخلاف سایر نوشته های دوره قاجار و بعد از آن ، به مدح وی پرداخته است ، رساله مآثر الصدريه است . در میان پژوهش های جدید نسبت به شخصیت ميرزا آقاخان نوری با رویکردی میانه و مخالف پرداخته شده است ، اما هیچ کدام به طور آخص و نسبتاً مطلق به شخصیت مثبت وی - آن چنان که در رساله مآثر الصدريه آمده است - ، نپرداخته اند . نوشتار پیش رو ، تحلیل و بررسی رساله مآثر الصدريه پیرامون شخصیت ميرزا آقا خان نوری ، دومین صدر اعظم دوره ناصری است که مسئله اصلی این پژوهش است . همچنین با استناد به گزارشهای سایر منابع تاریخی دوره قاجار و بعد از آن و تحلیل داده ها و مغایرت یا همخوانی آن با رساله مآثر الصدريه ، پرداخته خواهد شد . روش مقاله حاضر ، از نوع پژوهش های توصیفی - تحلیلی است و مبتنی بر تحلیل منابع و مدارک تاریخی است و ابزار گردآوری داده ها نیز فیش برداری و نیز به صورت روش کتابخانه ای و اسنادی است و از آنجا که قضاوت های منفی نسبت به شخصیت ميرزا آقا خان نوری شده ، واکاوی آن ضروری می نماید .

۱ - در حاشیه رساله درج شده ۱۱ شوال ۱۲۸۳ ق « ۱۲۴۵ش » ، (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۱ / ۱۳۳)

پیشینه تحقیق

پیرامون شخصیت و نقش سیاسی و اجتماعی میرزا آقا خان نوری در دوران صدارت، کُتب و مقالاتی نگاشته شده و به زوایایی از دوران صدارت وی پرداخته اند که به ندرت نسبت به وی دیدگاه مثبتی دارند و عمدتاً مستند به نظر نویسندگان مخالف، تدوین شده است. در مقاله «میرزا آقاخان نوری و مُرده ریگ اصلاحات امیر کبیر» (تحقیقات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، رضا شعبانی و فریبا صنعتی)، نویسندگان تلاش نموده اند که میرزا آقا خان نوری را مخالف اصلاحات امیرکبیر معرفی و حتی وی را متهم به عزل و قتل امیرکبیر، تباهی اخلاق و اعمال مُجرم و بی کفایت و دوران صدارت وی را برای ایران، ویرانگر معرفی کرده اند، ولی در تحقیق پیش رو سعی بر آن است که با مُستندات تاریخی، از یکسوئی مطلق در معرفی منفی شخصیت میرزا آقا خان نوری، پرهیز گردد. مقاله ای دیگر تحت عنوان «بررسی روابط ایران و روسیه در دوران میرزا آقاخان نوری» (مجله مُسکویه، دانشگاه آزاد اسلامی ری، سال سوم، زمستان ۱۳۸۷ و بهار ۱۳۸۸ شماره ۱۰، علی بیگدلی و سهیلا سخندان درابی)، میرزا آقا خان نوری را در سیاست خارجی ستوده و او را دارای شَمّ سیاسی بالا، هوش و ذکاوت مثال زدنی معرفی کرده و نقش میرزا آقا خان نوری در جریان جنگ های کریمه و اعلان بی طرفی ایران که کشور را از یک بحران جدی با عواقبی نامعلوم نجات بخشیده، مثبت ارزیابی نموده و حتی از جریان جنگ هرات و جدایی افغانستان از ایران که از مهم ترین اتهامات و خیانت های میرزا آقا خان نوری شمرده شده، وی را تبرئه و از او دفاع نموده و آن را ناشی از فشار مخالفان و خواست قلبی شاه ذکر کرده که میرزا آقا خان نوری را بین عقاید سیاسی و قدرت رقبا و خواست شاه سرگردان کرده بود و انتقاد نویسندگان و آثار معاصر را در این مورد، ناوارد دانسته و علت آن را این می داند که در بیشتر کتب فقط به نقش صدر اعظم توجه شده، در حالی که شاه در تمام امور دخالت مستقیم داشته است و لذا تحلیل و ارزیابی مثبت مقاله مذکور از سیاست خارجی میرزا آقا خان نوری، با بخشی از مقاله حاضر منطبق و موافقت دارد. کتاب «میرزا نصراله (آقاخان)

اعتماد الدوله صدراعظم نوری، بزرگترین قربانی تاریخ‌نویسی برای قهرمان‌پروری «تالیف پیروز مجتهدزاده که نگارنده نگاهی نو به میرزا آقاخان نوری داشته و معتقد است که وی بزرگ‌ترین قربانی تاریخ‌نویسی برای قهرمان‌پروری است. نویسنده اظهار داشته که پیرامون شخصیت سیاسی میرزا آقا خان نوری، اسناد جدیدی در مراکز اسناد دولتی انگلستان کشف نموده و از منابع پنهان مانده فارسی بهره برده است. کتاب وی به دلیل ادعاهای نویسنده، موجب برانگیختن واکنش‌های بسیاری در میان تاریخ‌پژوهان معاصر شده و اثر وی را می‌توان به عنوان تلاشی جدید و موثر در به چالش گرفتن تحریف‌های تاریخی عنوان نمود و از این جهت که کتاب مذکور، صرفاً تاریخ‌نویسی نبوده و نویسنده در تلاش است که مستند به مدارک موجود، شخصیت میرزا آقا خان نوری را ترسیم نماید، با پژوهش پیش رو سازگار است تقویت تحلیل‌ها و ارائه روش‌های از رویدادهای دوران صدارت میرزا آقا خان نوری و مغایرت و یا همخوانی آن با مستندات تاریخی، در پژوهش نگارنده حاضر، مورد توجه خاص می‌باشد.

الف) رساله مآثر الصدريه

مآثر الصدريه ميرزا علينقى نائینی، اطلاعات تاریخی مفیدی را در بر دارد که خاطرات سی سال حضور او در دربار قاجار به رشته تحریر در آمده (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/۵۸) و قصد او فقط تسوید اوراق و نگارش تاریخ نبوده بلکه بنا به گفته وی، بیان حقایقی است که در ایران بیمار آن روز، به مداوای تدابیر حکیمانه و معالجه میرزا آقا خان نوری صورت گرفته است (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/۱۳۲). مآثر الصدريه با حمد و ثنای خداوند، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) آغاز می‌گردد و محتوای کلی این رساله، به اختلال و نابسامانی وضعیت ایران در دوره ناصر الدین شاه، سطوری پیرامون شخصیت و علل عزل و تبعید امیر کبیر و بخش پایانی رساله در مورد مدح و خدمات میرزا آقا خان نوری در دوران صدارت اعظمی اختصاص دارد. اصل این رساله جزو مجموعه‌ای متعلق به جلال بقائی نائینی از نوادگان مؤلف بوده که تصویری از آن در اختیار مرحوم ایرج افشار قرار گرفته و وی آن را اصلاح و در دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی به زیور چاپ آراسته است (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/۱۳۸۰).

۵۶) که ارجاعات این پژوهش، به همین نسخه خواهد بود. میرزا علینقی نائینی در ۱۲۷۰ش در گذشته است. (ناصر الدین شاه، ۱۳۷۱: ۳۷۶)

ب) میرزا آقاخان نوری

میرزا نصر الله خان مشهور به میرزا آقاخان نوری ملقب به اعتمادالدوله، از رجال سیاسی عصر قاجار است. پدرش از امرای لشکر آقا محمد خان قاجار (حک: ۱۱۷۵-۱۱۶۱ش) بوده و بعد از مرگ پدر، در دوره فتحعلی شاه (حک: ۱۲۱۳-۱۱۷۶ش) مورد اعتماد قرار گرفت و به مناصب عالی سپاه دست یافت (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۰۶/۲). بعد از فتحعلی شاه، در دوران محمد شاه (حک: ۱۲۲۶-۱۲۱۳ش) در دربار حضور یافت و از بزرگان دیوانی و نظامی و وزیر لشکر به شمار می رفت. (شمیم، ۱۳۷۵: ۱۲۳)

وی با حاج میرزا آغاسی صدر اعظم محمد شاه قاجار، میانه‌ی خوبی نداشت و سرانجام درگیری وی با صدرات اعظم، سبب شد که به دستور شاه به کاشان تبعید گردد. (اعتمادا السلطنه، صدرالتواریخ، ۱۳۵۷: ۲۳۵، محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ۴۵۸/۲) بعد از مرگ محمد شاه (۱۲۲۷ش) و همزمان با ورود ناصر الدین شاه از تبریز به تهران در سال ۱۲۲۷ش، میرزا آقاخان مورد لطف امیر کبیر قرار گرفت و به دربار فراخوانده و لقب اعتمادالدوله یافت (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۰۶/۲؛ شمیم، ۱۳۷۵: ۱۴۳-۱۴۴؛ سعادت نوری، ۱۳۶۴: ۲۱-۲۰؛ محمود محمود، ۱۳۶۷: ۲/ ۶۳۱) و پس از مرگ امیرکبیر (۱۲۳۰ش)، منصب صدارت اعظمی به وی سپرده شد. (شمیم، ۱۳۷۵: ۱۵۶) وی پس از هفت سال صدارت، در ۱۲۳۷ش از مقام خود عزل و در ۱۲۴۳ش درگذشت. (فسایی حسینی، ۱۳۸۲: ۱/ ۷۹۸؛ قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/ ۸۰۰) میرزا آقاخان را فردی باهوش، با فرهنگ و صاحب تدبیر و نیرنگ معرفی نموده‌اند (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۰۶/۱) و بعضاً وی را فاقد استعداد و لیاقت ذاتی و متملق و چاپلوس ذکر کرده (خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۱۳/۱) که بعد از امیرکبیر و با شرط خروج از تابعیت انگلیسی، صدارت اعظمی را عهده دار شد. (رائین، حقوق بگیران انگلیس در ایران، ۱۳۷۳: ۲۵۷-۲۵۶) وی به علت قتل صدر اعظم پیشین و ترس از ابتلابه سرنوشت او، از ناصر الدین شاه قول گرفته بود

که اگر از وی خطایی سرزد، در امان باشد که شاه پذیرفته بود. (اعتماد السلطنه، صدر التواریخ، ۱۳۵۷: ۲۳۷؛ خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۱۷/۱).

ج) در آمدی بر تحلیل

در مقدمه و صفحات نخستین رساله مآثر الصدريه، به اوضاع نابسامان دوران ناصری انتقاد شدید شده و نویسنده تلاش می نماید که روی کار آمدن میرزا آقا خان نوری را موهبتی در آن شرایط ذکر نماید. سپس به شخصیت و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر اشکالات اساسی گرفته و آشفتگی اوضاع عصر ناصری را به عواملی متناسب نموده و دربخش پایانی رساله خود به دفاع از شخصیت و اقدامات میرزا آقا خان نوری می پردازد. وی بر این باور است که اختلال و آشفتگی وضعیت ایران در دوره ناصری را نخست باید در گذشته جستجو نمود و مهم ترین ریشه های نابسامانی در این دوره را به عوامل چهارگانه ذیل مربوط دانسته است:

۱- میراث دوران فتحعلی شاه

رأفت بیش از حد دوران فتحعلی شاه قاجار و واگذاری امور به شاهزادگان کم سن و سال و پرداختن به تجملات و شکم پروری، نخستین عامل آشفتگی و نابسامانی این دوره بوده (نائینی، ۱۳۸۰: ۵۹/۱) و لذا کشور در مسیر درست قرار نگرفت و تنها فرد لایق این دوران را، عباس میرزا فرزند نامدار فتحعلی شاه و حاکم آذربایجان می داند که در برابر دولت روسیه سالها مقاومت کرد و سرانجام به علت عدم کمک دولت مرکزی، بخشی از آذربایجان در اختیار روسیه قرار گرفت (نائینی، ۱۳۸۰: ۶۰/۱).

۲- بیماری محمد شاه

دومین عامل تاثیر گذار، حکومت چهارده ساله محمد شاه قاجار است. وی علیرغم این که پادشاهی دیندار و مهربان و شجاع بوده، ولی به سبب بیماری (درد پا و دست)، دائم در حال مداوا و معالجه بسر بُرد و این امر وی را از رسیدگی دقیق به امور مملکتی باز داشت و فرزندش ناصر الدین شاه، وارث دوران از هم گسیخته وی بود (نائینی، ۱۳۸۰: ۶۱/۱).

۳- صدارت حاجی میرزا آغاسی

صدارت حاجی میرزا آغاسی (درگذشته ۱۲۲۸ ش) در دوران محمد شاه، سومین دلیل وضعیت نامناسب ایران در دوره ناصری محسوب می شود که نائینی از آن به دوران فترت یاد کرده است. (نائینی، ۱۳۸۰: ۶۴/۱) اعتماد بیش از حد محمد شاه به وی، سبب گردیده بود تمامی امور خارجه و داخله دولت را به وی واگذار نماید و در حقیقت از سلطنت جز نامی نمانده بود (نائینی، ۱۳۸۰: ۶۲/۱). کم خردی و بی عقلی، گماشتن اراذل و اوباش و الواط در مناصب دولتی، تحمیل بدهکاری دولت به تجار خارجی و قشون دولتی و بی اعتباری مالی کشور، شخصیتی فحاش و بدون ملاحظه که اعیان و اکابر و اشراف ایران را از مجلس و محضر خود می راند، عاری بودن از دانش پالی تیک (علم سیاست)، گذراندن بیشتر اوقات خود به ذکر امثال و حکایات، توجه بیش از حد به سفرای خارجه و پذیرش پیشنهادهای آنها برای عزل حکام مناطق، ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه، معاشقت با پسران در سنین هفتاد سالگی، سعایت بیش از حد علیه وزیر لشکر میرزا آقا خان نوری در پیش شاه و عامل تبعید وی به کاشان، لاقیدی در نگه داشتن حرمت عام و خاص، قرار دادن موجب و مستمری بیجا برای برخی افراد و بی اعتباری بروات دیوانی در دوران وی، نامنی شهر و محلات و بازار و بیوتات از سرقت و شرارت، از جمله نقاط ضعف حاجی میرزا آقاسی است که نائینی بر شمرده (نائینی، ۱۳۸۰: ۶۲/۱-۷۰) و در چنین شرایطی، از روی کارآمدن صدر اعظم آقا خان نوری دفاع نموده که با خدمات شایسته و زحمات نمایان و تدابیر کافیه، برای رفع آلام و مشکلات و مصائب ایران همت گماشت. (نائینی، ۱۳۸۰: ۵۸/۱).

۴- صدارت امیرکبیر

رساله مآثر الصدريه، چهارمین سبب نارسائی و آشفتگی دوران ناصر الدین شاه را صدارت میرزا محمدتقی خان فراهانی مشهور به امیر کبیر ذکر می نماید. شخصیت امیرکبیر در رساله مآثر الصدريه، به باد انتقاد گرفته شده و پیرامون وی و اقدامات او، بسیار موجز به قضاوت پرداخته و در نهایت، میرزا آقا خان نوری را از او برتر می داند (نائینی، ۱۳۸۰: ۷۳/۱). وی در بیانی کلی و کوتاه، به تجلیل از پر کاری امیر کبیر اشاره نموده که اوقات

روز و شب را مصروف رفع اختلافات حاصله ایران می نمود (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۷۳/۱) ولی به خدمات گسترده امیر کبیر در سه سال و اندی صدارت ، اشاره نمی کند . در عین حال ، معایب و خطاهایی را بر عملکرد امیر کبیر وارد می داند و نتیجه می گیرد که کار های نیکوی او به سبب اینگونه رفتار های وی ، بی حاصل بوده و عزل و تبعید امیر کبیر از سوی شاه و نهایتاً قتل او را اجتناب ناپذیر می داند . در رساله مآثر الصدريه رفتار امیر کبیر با ایرانی ها بی رحمانه توصیف شده (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۷۳/۱) و او را شخصی غلیظ القلب و سخت گیر معرفی می نماید . (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۸۶/۱) . پیرامون بی رحمی امیر کبیر نسبت به سرکشان و مجرمان ، این نکته ضروری می نماید که امیر کبیر دریافته بود مردم دوران وی با افسار گسیختگی و دزدی و تعدی به مال دیگران بار آمده و در چنین محیطی رشد کرده بودند که تنها با نصیحت و موعظه ، کاری از پیش نمی رود و در سایه همین سختگیری ها ، فرامین او در اقصی نقاط کشور ضمانت اجرایی می یافت . (شمیم ، ۱۳۷۵ : ۱۷۴) ضمن این که وی در مقدمه رساله مآثر الصدريه که پیش از این اشاره شد ، مدعی است که آشفتگی ایران دوره ناصری بیشتر به گذشته بر می گردد (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۵۹-۶۹) و به نظر می رسد که برای تغییر و تحول در چنان شرایطی ، اغماض و چشم پوشی و تساهل کارگشا نبوده است .

ناکار آمدی در سیاست داخلی ، خصوصاً در برخورد با بایبه و پیروان محمد علی باب (۱۲۲۹-۱۹۹۹ ش) ، از دیگر مواردی است که نائینی بر امیر کبیر خُرده گرفته و می گوید : « امیر کبیر خشونت بسیار بخرج داد و خون بسیاری ریخت و می توانست با اندک ملاحظت این غائله را بخواباند » . (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۷۳/۱) . ذکر این نکته ضروری می نماید که امیر کبیر از هنگام رسیدن به مقام صدارت ، با آشفتگیهای سیاسی و فرقه ای ، خصوصاً بایبه که ماحصل دوران قبل از وی بود ، مواجه گردید . بی تردید عکس العمل امیر کبیر نسبت به بایبی ها ، بیش از آن که قاطع باشد ، بسیار تند و خشن و با سرکوب همراه بود و شمار زیادی از ایشان به دستور وی اعدام شدند (شیخ نوری ، ۱۳۸۶ : ۴۴۸) و اقدام وی را می توان اجتناب ناپذیر توجیه نمود (شمیم ، ۱۳۷۵ : ۱۵۱-۱۵۲) . اولاً امیر کبیر مصمم بود با هر اقدامی که منجر به تضعیف قدرت مرکزی و هرج و مرج در کشور شود ، برخورد نماید

اقبال آشتیانی، ۱۳۹۰ : ۹ ؛ اجلالی ، ۱۳۸۴ : ۸۳) ، ثانیاً بایگیری سبب آشوب بسیاری در اغلب شهرهای ایران شده بود (آدمیت ، امیر کبیر و ایران ، ۱۳۶۲ : ۴۴۷) و پیروان این فرقه در قزوین و بدشت شاهرود به رهبری قُرّه العین و محمد علی بار فروش و حسینعلی نوری (خورموجی ، ۱۳۴۴ : ۵۶ ؛ زرندی ، ۱۳۲۴ : ۲۸۵) در خراسان به رهبری ملا حسین بُشروییه ای (سپهر ، ۱۳۸۱ : ۳ / ۲۳۸) در زنجان به رهبری ملا محمد علی زنجانی و در مناطقی از مازندران شورش به راه انداخته بودند که در جریان آن ، با مردم و نیروهای دولتی رفتاری بسیار خشن داشتند (نجفی ، ۱۳۸۳ : ۵۱۱ - ۵۶۱ ؛ اقبال آشتیانی ، ۱۳۹۰ : ۱۰۳) ثالثاً گروهی از بابیه تهران در صدد بودند تا ناصرالدین شاه و امیرکبیر را به قتل رسانند (آدمیت ، امیر کبیر و ایران ، ۱۳۹۰ : ۴۴۷) رابعاً روسیه و انگلیس از بهائیت و فرقه نوظهور آنان جهت گرفتن امتیاز از دولت ایران پشتیبانی نموده بودند (خان ملک ساسانی ، سیاستگران دوره قاجار ، ۱۳۸۸ : ۴۸/۱ ؛ آدمیت ، امیر کبیر و ایران ، ۱۳۶۲ : ۴۵۷) . در چنین شرایطی ، امیر کبیر که کاملاً به خطرات این فرقه در شهرهای کشور و حمایت خارجی آگاه بود ، تصمیم گرفت با فتوای علمای تبریز ، این غائله را پایان دهد و به نظر می رسد که از نظر امیر کبیر در آن شرایط ، چاره ای جز این نبوده (اقبال آشتیانی ، ۱۳۹۰ : ۳۹۶) و تسامح و تساهل با آشوبگران ، مانع پیشرفت و اصلاحات وی در کشور بوده است (شیخ نوری ، ۱۳۸۶ : ۴۴۸) . برخی از نویسندگان معاصر با نائینی هم سخن هستند که امیر کبیر را شخصی سخت گیر و قدرت طلب و همچون رضا خان (حک : ۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) مستبد دانسته اند (امانت ، ۱۳۸۳ : ۱۶۱-۱۶۲) .

سومین انتقاد نائینی به امیرکبیر ، ترسو و بیدل بودن او در مقابل دولتهای بیگانه مطرح شده است (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۷۳/۱) و به عنوان شاهد مثال آورده است که با اصرار وزیر مختار روسیه ، عباسقلی خان را که از اعظام امرای دربار بود ، از حکومت اردبیل عزل کرد ، محمد رضا خان فراهانی که فردی نجیب و صاحب کمالات بود ، به اشاره کنسول انگلیس از حاکمیت آذربایجان خلع و مهدیقلی میرزا ، حاکم مازندران را برای رضایت خاطر سفارت روس معزول ساخت که این اقدامات وی ، ننگی در دامان ایرانیان بود (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۷۳/۱) .

انتقاد وی از امیر کبیر به اتهام ترس در مقابل بیگانگان، با شواهد و قرائن تاریخی مغایرت دارد. امیر کبیر در زمینه سیاست خارجی، سیاست معروف به سیاست موازنه منفی را در پیش گرفته بود که بر اساس آن می‌گفت نه به روس امتیاز می‌دهیم، نه به انگلیس و نه به هیچ قدرت خارجی دیگر (نجفی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۲؛ آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۴۶۵). با تحرکی که امیر کبیر در اصلاحات دستگاه دولت به وجود آورد، سیاست خارجی ایران از انحصار روس و انگلیس به درآمد (آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۴۶۳) دولت روسیه را از قصد ساختن بیمارستانی خصوصی برای ملوانان روسیه در استرآباد، منع نمود و مجوز آن را صادر نکرد (آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۴۷۳)، دستگاه وزارت خارجه و کنسولگری‌ها را توسعه داد (آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۲۱۰) و به دلیل پایمردی او و آزادگی‌اش در عمل، چهره دیپلماسی ایران، رنگ دیگری به خود گرفت (محمود محمود، ۱۳۶۷: ۵۹۹/۲؛ آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۴۶۳) و در زمان او هیچ یک از همسایگان نتوانستند در امور داخلی ایران دخالت کنند و یا به حقوق سیاسی آن تجاوز نمایند (آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۴۶۳). مخالفت امیر کبیر با پیشنهاد نمایندگان روسیه و انگلیس در مورد میانجیگری بین سالارخان ۲ و دربار ایران (مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۵۰)، مبارزه با اقدامات جاسوسی دولت‌های بیگانه و اخراج ژنرال ژان پل فریه ۳ فرانسوی از ایران و عدم انعقاد قراردادهای استعماری با دولت‌های خارجی ۴، منع ورود اتباع بیگانه به مراسم سوگواری شیعیان، جلوگیری تبلیغ توسط کشیشان کاتولیک و پروتستان، ممنوعیت اتباع خارجی از خرید املاک در ایران، روش برخورد بی‌طرفانه و

۲- سالارخان از نوادگان فتحعلیشاه که حاکمیت خراسان را برعهده داشت، دست به شورش زد که پنج سال (۱۲۲۳-۱۲۲۸ش) به طول انجامید و یکی از مهمترین حوادث دوره سلطنت قاجار محسوب می‌گردد. شورش وی در دوران امیر کبیر سرکوب و برچیده شد. (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۱۵۶)

۳- jean-paul ferrie

۴- تمامی پیمانها و قراردادهایی همچون: ترکمانچای و گلستان با روسیه، عهدنامه‌ی پاریس با انگلیس، پیمان آخال با روسیه، قرارداد ۱۹۱۹م با انگلیس و ۱۹۲۱م با روسیه، امتیاز رویتر، قرارداد داری، امتیاز انحصار توتون و تنباکو به تالبوت، پیش و پس از صدارت وی صورت گرفته است (خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، ۱۳۵۲: ۱۴۵)

مداراجویانه با سفرای خارجه و رفتار توأم با غرور و متانت با آنان ، ممنوع کردن افراد بزهکار ایرانی از پناهندگی به سفارتخانه های خارجی و اجبار خارجی ها به پس دادن مجرمان و بزهکاران ایرانی به دولت ایران ، قدغن نمودن ورود کشتی های تجاری و جنگی روسیه به مرداب انزلی ، صدور گذرنامه برای ایرانیان عازم خارجه و منظم ساختن ثبت و ضبط مکاتبات سیاسی ، در کارنامه مثبت سیاست خارجی وی به چشم می خورد (بیانی ، ۱۳۷۵ : ۲ / ۱۰۵ ؛ افشاری ، ۱۳۷۲ : ۱۵۰ - ۱۵۱ ؛ مهدوی ، ۱۳۷۵ : ۲۶۷) . موارد فوق حاکی از آن است که وی بر خلاف نظر نائینی ، در زمینه سیاست خارجی و خصوصاً در مقابل دولتهای انگلیس و روسیه ، منفعل و ترسو و بیدل نبوده است .

انتقاد نائینی از رفتار تکبر آمیز امیر کبیر با ناصر الدین شاه نیز در رساله مآثر الصدّریه به چشم می خورد . وی می گوید « امیر کبیر را باد تکبر و غرور فرا گرفته بود و عزل و تبعید وی به کاشان به دستور ملوکانه ، اجتناب ناپذیر بوده است (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۸۸ / ۱) . اکثر قریب به اتفاق مورخان و نویسندگان ، با نائینی هم رأی هستند که برخورد امیر کبیر با ناصر الدین شاه ، با غرور و تکبر و به دور از خشوع و فروتنی بوده (مستوفی ، ۱۳۸۴ : ۷۵ / ۱) و حتی وی به داعیه سلطنت متهم شده است . (خان ملک ساسانی ، سیاستگران دوره قاجار ، ۱۳۸۸ : ۱۷ / ۱ ؛ مستوفی ، ۱۳۸۴ : ۷۵ - ۷۶) در منابع تاریخی دوره قاجار آمده است که وی در محضر شاه اظهار داشته که این مملکت را من به نظام کرده ام و متمدّین درگاه را تباه کردم و از برای هیچ کس از خلفا کاران در ایران ملجأ و پناه نگذاشتم ، شاه خشمگین شد و در پاسخ گفت : « کلمات تو با شیطان رجیم مشابهتی تمام است . این ما بودیم که تو را از آن مقام پست (فرزند آشپز) به اینجا رساندیم و اکنون بر ما می خروشی و این کالا که از ما یافته ای به ما می فروشی » (سپهر ، ۱۳۸۱ : ۳ / ۱۱۵۲ و ۳ / ۱۱۴۶ ؛ اعتماد السلطنه ، صدر التواریخ ، ۱۳۵۷ : ۱۹۶) .

از برآیند نکات فوق ، آشکار می گردد که رفتار امیر کبیر با ناصر الدین شاه ، بعضاً توأم با غرور و تحکم بوده و تأکید نائینی خالی از حقیقت نبوده است . از طرفی دیگر ، بایستی در نظر داشت که مورخان درباری پیش از آن که ضبط و ثبت درست وقایع مدّ نظر ایشان

باشد ، رضایت خاطر همایونی و تملق آنها از بیم قدرت سلطان ، سبب گردیده که از بیان برخی حقایق دیگر در رفتار امیرکبیر با شاه سرباز زند (راوندی ، ۱۳۸۲ : ۴ / ۴۱۹) .

د) بررسی و نقد و تحلیل

۱- توطئه در قتل امیر کبیر

نائینی در مآثر الصدريه هیچگونه اشاره ای به نقش میرزا آقا خان نوری در عزل و قتل امیر کبیر ندارد و حتی حمایت میرزا آقا خان نوری را از وی در بخشی از رساله آورده است : « در غائله سال ۱۲۲۷ش ، که چهار هزار سرباز موسوم به فوج قهرمانیه در دروازه دولت و ارگ شاهی با الله اکبر گویان به خانه امیر کبیر هجوم بردند و گفتند : « یا امیر کبیر مقتول شود و یا تبعید گردد » (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۸۴/۱) ، ناصر الدین شاه دستور به خروج امیر کبیر داد ولی میرزا آقا خان نوری از وی حمایت نموده و شاه را از این کار منصرف نمود » (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۸۴/۱) . گزارش وی از این رویداد ، در آثار نویسندگان دیگر هم آمده است (خان ملک ساسانی ، سیاستگران دوره قاجار ، ۱۳۸۸ : ۳۲ / ۱ ؛ اعتماد السلطنه ، صدرالتواریخ ، ۱۳۵۷ : ۲۳۶) .

توطئه میرزا آقا خان نوری در برکناری و مرگ امیر کبیر ، اولین بار در کتاب صدر التواریخ اعتماد السلطنه (درگذشته ۱۲۷۵ش) ۵ - که اتفاقاً معاصر میرزا علینقی نائینی بوده - آمده است و عمده نویسندگان معاصر به سخن وی استناد نموده اند . اعتماد السلطنه می گوید : « میرزا آقا خان نوری هنگام پیشنهاد تفویض صدارت به وی ، آن را قبول نکرد و آخر الامر با دو شرط پذیرفت : شرط اول اعدام امیرکبیر بود و شرط دوم اگر روزی از او خطا یا خیانتی سرزد ، جانش در امان باشد و به سرنوشت امیر کبیر مبتلا نگردد » (اعتماد السلطنه ، صدرالتواریخ ، ۱۳۵۷ : ۲۳۷ ؛ اعتماد السلطنه ، خلسه ، ۱۳۵۷ : ۸۶) .

۵ - پدر اعتماد السلطنه ، حاج علیخان مراغه ای قاتل امیر کبیر بوده و از دوستان و محارم درباری میرزا آقا خان نوری و مهد علیا است ! محتمل است که اعتماد السلطنه مقصر اصلی این کار را میرزا آقا خان نوری ذکر نموده که پوششی برای تبرئه پدرش محسوب گردد که مأمور و معذور بوده است . توطئه میرزا آقاخان نسبت به امیر کبیر در کتاب خلسه اعتماد السلطنه ، نیز آمده است . (اعتماد السلطنه ، خلسه ، ۱۳۵۷ : ۸۶)

بیشتر نویسندگان معاصر به استناد همین روایت از اعتماد السلطنه، میرزا آقا خان نوری را در عزل و تبعید و مرگ امیر کبیر، متهم نموده اند که وی دشمن سر سخت امیر کبیر بوده (شمیم، ۱۳۷۵: ۱۵۶؛ راوندی، ۱۳۸۲: ۴/۱۹) و در نخستین روزهای صدارت، به محارم خود گفته بود تا میرزا تقی خان زنده است، من نمی‌توانم قلمدان او را در جیبم بگذارم (خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۱/۵؛ راوندی، ۱۳۸۲: ۴/۲۲). همچنین مهد علیا مادر ناصر الدین شاه، نیز در این توطئه همدست وی بوده است (محمود محمود، ۱۳۶۷: ۲/۶۳۲؛ قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/۸۰۰؛ شمیم، ۱۳۷۵: ۱۸۶) ، زیرا مهد علیا از آغاز با صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر - که با ولخرجیها و مداخلات او در امور سیاسی مخالف بود - دشمنی داشت (شمیم، ۱۳۷۵: ۱۵۳؛ راوندی، ۱۳۸۲: ۴/۲۲) و می‌کوشید تا میرزا آقاخان نوری، به صدارت انتخاب شود که ممکن نشد (قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/۸۰۰؛ پناهی سمنانی، بی تا: ۲۲۳-۲۲۴). حتی در گزارشی آمده است که مهد علیا در دوران محمد شاه قاجار، روابط پنهانی با میرزا آقا خان نوری داشته است! (خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۱/۱۳؛ قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/۸۰۰) و هنگام تبعید امیر کبیر قصد ربوبوسی با امیر را داشته که امیر کبیر می‌گوید: «من هیچ وقت عادت ندارم با فاحشه ربوبوسی نمایم!» (خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۱/۴). مزید بر موارد فوق، میرزا آقا خان نوری و بستگانش، شاید به دلیل همین اتهام مورد نفرت مردم آن دوره قرار داشتند (اعتماد السلطنه، خلسه، ۱۳۵۷: ۸۶ و ۸۹) و حتی وی به امیر کبیر گوشزد نموده بود که رفتار تو سرانجام سبب کیفر خواهد شد (سپهر، ۱۳۸۱: ۳/۱۱۴۸؛ شمیم، ۱۳۷۵: ۱۸۶) و مزید بر موارد یاد شده، ناصر الدین شاه هم به میرزا آقاخان اعتماد چندانی نداشت (اعتماد السلطنه، خلسه، ۱۳۵۷: ۸۶؛ آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۷۲۵؛ سعادت نوری، ۱۳۶۴: ۲۰).

با توجه به مطالب فوق، اگر مبنای این توطئه را فقط گزارش اعتماد السلطنه بدانیم، نمی‌توان صحّت و سقم این اتهام را پذیرفت چرا که گزارشی واحد است و دیگر مورخان دوره ناصری به این موضوع مهم نپرداخته اند و جای تردید دارد. از طرفی دیگر، محققینی بر این باورند که میراث به جای مانده از دوران امیر کبیر در زمان میرزا آقاخان نوری، بدون هیچ

کم و کاستی، پیگیری و ادامه پیدا کرد که می توان آن را تلویحاً، مثبت ارزیابی نمود (مجتهد زاده، ۱۳۸۸: ۸۲؛ نیک نژاد، ۱۳۸۸: ۷۲) و محتمل است که صدارت بلا فاصله میرزا آقاخان نوری پس از تبعید و قتل نابهنگام امیرکبیر، سبب گردیده قضاوت ها و برداشت های گوناگونی را نسبت به وی به همراه داشته باشد (قدیانی، ۱۳۸۷: ۲/ ۸۰۰).

۲- معاهده پاریس (۱۲۳۶ش)

معاهده پاریس را از بزرگترین خسارت های سیاسی در دوران صدارت میرزا آقا خان نوری ذکر نموده اند که به تبع آن، سرزمین هرات از تابعیت دولت ایران خارج شد (مهدوی، ۱۳۷۵: ۱۵۱؛ سرابی، ۱۳۶۱: ۲۲) و به تحکیم بیشتر نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی انگلیس همراه گردید. (بامداد، ۱۳۷۱: ۴/ ۳۶۸-۳۷۳؛ محمود محمود، ۱۳۶۷: ۲/ ۶۵۰؛ شمیم، ۱۳۷۵: ۱۲۹ و ۲۳۵-۲۳۶؛ رائین، حقوق بگیران انگلیس در ایران، ۱۳۷۳: ۲۵۸).

در مآثر الصدريه، به این پیمان اشاره ای کوتاه شده و در دفاع از عملکرد صدر اعظم نوری می نویسد: «میرزا آقا خان دست از محاصره هرات و جنگ افغانستان نکشید (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۵) و سرزمین هرات را که در دوران محمد شاه تسخیر نشد، تسخیر نمود (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۵) و اقدام او، موجب حیرت انگلیسی ها شد که چگونه دولت ایران در برابر دولت انگلیس ایستاده و خلاف رأی آن دولت نهاده است (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۵). دولت انگلیس برای تمکین و فشار بر ایران، بوشهر و برخی بنادر جنوب را گرفت و تصور می نمود با اشغال بندر بوشهر، مردم ایران از ایشان اطاعت خواهند نمود و می تواند هر گونه تکلیف شاقی را به مملکت ایران تحمیل نماید (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۶). سرانجام دولت انگلیس به میدان مصالحت پا نهاده بدون آنکه ذره ای از خاک ایران به تصرف ایشان دهند، در پاریس عقد مصالحه و معاهده دولتین ایران و انگلیس منعقد گردید و ضرری که در ایام جنگ بر دولت ایران وارد آمد یک دهم ضرر دولت انگلیس هم نبود» (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۷).

و در ادامه می افزاید: « میرزا آقا خان برای ضربه زدن به منافع انگلیس، با انجام کارهای پنهانی و فرستادن مأموران مخفی به هندوستان - که معدنِ طلایِ انگلیس محسوب می شد - وضعیت هندوستان را پریشان و مختل ساخت که در مواقع ضروری بتواند در معاهدات و برخورد با انگلیسی ها، از آنها امتیاز بگیرد. (نائینی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۰۴) همین تمهیدات او سبب گردید که سفرا و وزراء و اعیان دولت انگلیس به شاه نوشتند که این اختلافات بین ایران و انگلیس به یک عزل، حل و فصل می شود که عزل میرزا آقا خان از صدارت است و اگر چنین شود غائله دشمنی بین انگلیس و ایران تمام گردد (نائینی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۰۴) که با مخالفت شدید ناصر الدین شاه مواجه گردید و شاه گفت: « در هیچ حال، مقام جناب صدارت را از دولت خارج نسازیم و این خیال را از خاطر به در نمایید و بیهوده در هاون تدبیر آب این گونه تمهیدات نسازید ». (نائینی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۰۴)

در نقد و تحلیل گزارش نائینی در مورد معاهده پاریس نکاتی قابل طرح است: نخست این که نائینی ذکر می نماید ذره ای از خاک ایران به تصرف انگلیس در نیامد، در حالی که بموجب معاهده پاریس، هرات بکلی از تابعیت ایران خارج و بعدها نیز تلاشی جهت بازپس گیری آن نشد و دولت ایران را به عذرخواهی از سفیر انگلیس واداشت و محتمل است ناصر الدین شاه که از اختلال امور در صدارت میرزا آقاخان بیمناک شده بود (اعتماد السلطنه، صدر التواریخ، ۱۳۵۷: ۲۴۰)، یکی از دلایل عزل وی از صدارت باشد (راوندی، ۱۳۸۲: ۲ / ۵۰۸-۵۰۹).

ثانیاً در جریان فتح هرات و مقارن ورود نیروهای انگلیسی به بوشهر و جزایر جنوبی ایران، سید سعید، سلطان مسقط و عمان هم به تحریک انگلیسی ها به بندرعباس حمله نمود و دولت ایران در موقعیت بسیار نامساعد و خطرناکی قرار گرفت (مدنی، ۱۳۶۵: ۳۵۲؛ امینی، ۱۳۸۲: ۱۱۰؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵: ۲۷۵). ناصرالدین شاه به توصیه دولتهای روسیه و فرانسه به نیروهای ایرانی دستور ترک مقاومت داد و تقاضای صلح کرد (مجدالاسلام کرمانی، بی تا: ۴۷۵؛ خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۳۱/۱؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵: ۲۷۵؛ امینی، ۱۳۸۲: ۱۱۰) و کوشش و درخواست حسام السلطنه حاکم خراسان که هرات را گرفته بود، برای استقامت دولت در مقابل انگلیس، به

جایی نرسید (خان ملک ساسانی ، سیاست گران دوره قاجار، ۱۳۸۸ : ۵۲/۱ - ۶۱) . ثالثاً انگلیسها به میرزا آقا خان نوری صدراعظم ایران رشوه‌ای وعده کرده بودند و او خیال پادشاه ایران را از ضبط هرات منصرف نمود (سرابی ، ۱۳۶۱ : ۳۳ و ۲۲) و حتی بنا به گفته میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان ، اشغال بوشهر از سوی انگلیسی ها ، با پیشنهاد میرزا آقا خان نوری بوده است که به ایشان پیام داده : « اگر بخواهید هرات را از ایران بگیری بوشهر را تصرف کنی تا ما از در مصالحه بیرون آئیم هرات را بشما واگذار کنیم و شما هم بوشهر را تخلیه کنید که کار بر وفق مُراد شود ! » (اعتماد السلطنه ، صدر التواریخ ، ۱۳۵۷ : ۲۳۹) .

اعتماد السلطنه در کتاب خلسه می گوید : « چون میرزا آقا خان نوری مطلع گردید که شاه قصد عزل او را دارد ، جنگ انگلیس را سبب گردید که ذهن شاه را به آن مشغول و از عزل وی درگذرد . » (اعتماد السلطنه ، خلسه ، ۱۳۵۷ : ۸۹) . در هر حال ، برای پایان دادن به بحران پیش آمده و با وساطت ناپلئون سوم امپراطوری فرانسه (۱۸۲۵-۱۸۷۰ م) ، بین دولت ایران و انگلیس در سال ۱۲۳۵ش معاهده پاریس در یک مقدمه و پانزده فصل منعقد گردید (محمود محمود ، ۱۳۶۷ : ۲ / ۵۳۱-۵۳۲ ؛ هوشنگ مهدوی ۱۳۸۵ : ۲۷۶-۲۷۵ ؛ بیانی ، ۱۳۷۵ : ۲ / ۲۹۷) و قرار شد که نیروهای انگلیس از بنادر و جزایر جنوب ایران خارج شوند و در عوض ایران نیز سپاهیان خود را از هرات فراخواند و استقلال افغانستان را به رسمیت شناسد (خان ملک ساسانی ، سیاستگران دوره قاجار ، ۱۳۸۸ : ۳۱ / ۱ ؛ اقبال، تاریخ ایران ، ۱۳۸۰ : ۸۳۲ ؛ افشار یزدی ، ۱۳۵۸ : ۲۴۴-۲۳۸) و ویکتوریا ملکه انگلستان در زیر معاهده‌نامه نوشت : « تا می‌توانیم مانع می‌شویم که اصول این پیمان بهم نریزد و با تمام قوا در حفظ آن خواهیم کوشید» (سرابی ، ۱۳۶۱ : ۳۸ ؛ اصفهانیان و همکاران ، ۱۳۸۵ : ۲۰ / ۱ ؛ راوندی ، ۱۳۸۲ : ۴ / ۶۰۹ ؛ محمود محمود ، ۱۳۶۷ : ۲ / ۵۳۶-۵۵۰) .

رابعاً نائینی اظهار داشته که میرزا آقا خان نوری هرات را تسخیر نمود ، در حالی که ناصرالدین‌شاه مستقیماً به حسام‌السلطنه والی و حاکم خراسان دستور داد به هرات حمله نماید(مدنی، ۱۳۶۵ : ۱ / ۳۴۹ ؛ هوشنگ مهدوی ، ۱۳۸۵ : ۲۷۲-۲۷۳) و او هرات را گشود (امینی ، ۱۳۸۲ : ۱۰۹) و مورد تقدیر و تشویق ناصرالدین‌شاه قرار گرفت و خلعت و نشان دریافت داشت . (مدنی ، ۱۳۶۵ : ۱ / ۳۵۲) . خامساً تنها دستورالعمل از تهران بدستور صدر اعظم آقاخان نوری به

فرخ خان امین الملک - سفیر ایران در مذاکره معاهده پاریس - رسید این بود: « شما اختیار دارید در هر مسئله ای که مورد تقاضای انگلیسی ها است موافقت کنید مگر در دو مورد، یکی سلطنت ناصرالدین شاه و دیگری صدارت من » (مدنی، ۱۳۶۵: ۱/ ۳۵۳؛ طباطبائی مجد، ۱۳۷۳: ۲۷۹) چرا که در اوان گفتگوی دو طرف جهت دستیابی به صلح، انگلیسی ها خواستار برکناری صدراعظم نوری بودند (رایت، ۱۳۶۸: ۲۳۱-۲۲۳).

با توجه به گزارش ها و مستندات تاریخی که ذکر گردید، دفاع نائینی از عملکرد میرزا آقا خان در جریان از دست دادن هرات و معاهده پاریس، نمی تواند وجهتی داشته باشد.

۳- وابستگی به انگلیس و روسیه

ترسیم شخصیت سیاسی میرزا آقا خان در مآثر الصّدریه حاکی از آن است که وی نسبت به دولت های بیگانه و خصوصاً انگلیس و روسیه، با اقتدار برخورد نموده و کوتاه نیامده است. نائینی بنای کار میرزا آقا خان نوری را بر این ضرب المثل قرار داده که هزار دوست کم است و یک دشمن زیاد، و لذا وی به قدر امکان در ازدیاد روابط دوستی با هریک از دُوَل خارجه اهتمام ورزید، ولی نسبت به آنان تمکین نمی کرد و همیشه با کمال قدرت سر رشته مودّت و دوستی را نگاه داشت. (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/ ۹۳) آن چنان که فرانسه پیش از این چندان تمایلی به روابط با ایران نداشته، سفیری به ایران فرستاد. میرزا آقا خان از نفوذ سفرای خارجی در ایران جلوگیری کرد، عمل خودسرانه سفرای خارجی در تنبیه بدنی و اذیت و آزار ایرانیان را ممنوع کرد، در مقابل تکالیف غیر حق وزیر مختار دولت انگلیس نسبت به دولت ایران، با کمال متانت نوشت که تکالیف غیرمحقّانه را نخواهم پذیرفت و همچون سدّ اسکندر در برابر یاجوج حوادث ایستاده و دقیقه ای از تحصیل نام نیک دولت ایران و ملت عقب ننشست، با حضور فعال میرزا آقا خان نوری، سفارت خانه ها نمی توانستند به رعیت ایرانی تعدی کنند، اتباع خارجی را از آمدن به تکیه دولت در مراسم عزاداری عاشورا و فخر فروشی نسبت به مسلمانان ممنوع نمود، تجار ایرانی که خود را به رعیتی دولت انگلیس بسته بودند تا از برخی امور مصون بمانند، وادار نمود تا به تبعیت دولت ایران در آیند، دست کشیشان طایفه نصرانی تحت حمایت انگلیس که در کوههای

ارومیه مسکن داشته و به عنوان نیروئی در برابر دولت ایران برای باجگیری حضور داشتند را کوتاه نمود، بی طرفی در منازعات دولت های انگلیس و روسیه و روم، نسخ قانون عدم استرداد یاغیان که به دولت روسیه پناهنده می شدند، دعاوی دروغ برخی از اتباع روسیه مبنی بر طلب پول از دولت ایران به دلیل راهزنی ایرانیان در برخی مناطق را بی اثر کرد، جلوگیری از ترفند دولت روسیه که ترکمن های ساحل نشین را هر چند وقت برای باج گیری از دولت ایران تقویت می کرد تا شورش بپا کنند، مطلع کردن عموم مردم از سیاستهای غرب، اتباع خارجی که بروات دیوانی^۶ ساقط شده را به زور سقرایشان از دولت ایران به وجه کامل دریافت می کردند از طریق روزنامه ها اعلام نمود که هر کس از اتباع بیگانه و یا تجار داخلی چنین نماید، دولت تعهدی نسبت به پرداخت آن نخواهد داشت، در دوران پیش از او، به اندک اشارتی از سوی سفرای خارجی، فردی در ایران منصوب و معزول می گشت و او با اقتدار از نفوذ سفرای خارجی در این زمینه جلوگیری کرد، و در نهایت، در دوران وی سفرای و سیاست خارجی ایران عزت یافت. (نائینی، ۱۳۸۰: ۱/ ۹۳-۱۱۷).

با وجود توصیف نائینی از میرزا آقا خان در مقابل بیگانگان، بسیاری از نویسندگان بر این باور نیستند و او را فردی تحت الحمایه انگلیس و صدراعظمی بیگانه پرست می شمارند (راوندی، ۱۳۶۲: ۴/ ۴۱۸؛ آدمیت، امیرکبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۶۴۸) و بر تباهی اخلاق و اعمال او تأکید داشته و او را رسماً تحت الحمایه و تبعه دولت انگلیس دانسته (اقبال، ۱۳۹۰: ۳۱۹؛ آدمیت، امیر کبیر و ایران، ۱۳۶۲: ۷۰۱ - ۶۹۹) و حقوق بگیری از سفارت انگلیس را به وی نسبت داده (اعتمادالسلطنه، خلسه، ۱۳۵۷: ۸۶، صفائی، بی تا: ۶۵؛ خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۴ - ۱۵؛ اقبال، ۱۳۹۰: ۳۱۸؛ راوندی، ۱۳۸۲: ۴/ ۴۱۸) و حتی وی را از کارکنان سفارت انگلیس و جاسوس می دانند. (خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۴-۱۵؛ آدمیت، امیرکبیر و

^۶ - برات دیوانی سندی بود که از سوی دولت به منظور پرداخت مواجب و دیگر هزینه ها صادر می شد. در دوره قاجار اغلب پرداختهای دولت به کارکنان کشوری و لشکری و به طور کلی، اغلب پرداخت ها در تمام امور دولتی به وسیله این سند انجام می گرفت (جمالزاده، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

ایران ، ۱۳۶۲ : ۶۴۲-۶۴۸) . همچنین در گزارشی آمده است که سفارت انگلیس به وی گفته تحت حمایت انگلیس از تاج کیانی هم برای تو برتر است ! (شیل ، ۱۳۶۲ : ۲۲۳) . بر اساس برخی نوشته ها ، میرزا آقاخان اسرار سیاسی دولت ایران در امور داخلی و گفتگوهای امیرکبیر با سفارتخانه‌های خارجی را به طور محرمانه به سفارت انگلیس در تهران خبر می‌داده است (آدمیت ، امیرکبیر و ایران ، ۱۳۶۲ : ۶۹۹ - ۶۹۶) . وی در اواخر دوران صدارت که اوضاع را برای ماندن در صدارت نا مساعد دید ، به روسها نزدیک شد و پس از عزل وی توسط ناصرالدین شاه ، تزار روسیه از شاه ایران درخواست کرد که جان او محفوظ مانده و خونش ریخته نشود . (صفائی ، بی تا : ۶۹ - ۶۶) همچنین عدم مقاومت در برابر انگلیسی‌ها در قضیه هرات ، موجب گردید که مخالفین بسیاری ، عزل او را از صدارت خواستار شدند (رائین ، حقوق بگیران انگلیس در ایران ، ۱۳۷۳ : ۲۶۷) و شاه در سال ۱۲۳۸ش او را با نوشتن دست خطی عزل کرد (خورموجی ، ۲ / ۲۴۰ ؛ اعتماد السلطنه ، صدر التواریخ ، ۱۳۵۷ : ۲۴۰) . در بخشی از حکم عزل ، خشم ناصر الدین شاه از وی نمایان است : « به تعلیم ربانی و تأیید یزدانی بر قبایح اعمال و فضایح افعال میرزا آقاخان نوری و اتباع و احفاد او ملهم شدیم و شرّ این ناسپاس را از بندگان خدا رفع کردیم « (اصفهانیان و همکاران ، ۱۳۸۵ : ۵۲/۲) .

با توجه به دیدگاهها و برخی مستندات که اشاره گردید ، می توان بر این باور بود که نزدیکی و توجه و اعتماد و مراودت میرزا آقا خان نوری به سفارت خانه انگلیس (راوندی ، ۱۳۸۲ : ۲ / ۵۰۸-۵۰۹ ؛ صفائی ، بی تا : ۶۵ ؛ اعتمادالسلطنه ، خلسه ، ۱۳۵۷ : ۸۶ ؛ آدمیت ، امیرکبیر و ایران ، ۱۳۶۲ : ۶۴۸) و سپس روسیه (صفائی ، بی تا : ۶۹ - ۶۶) در گزارش های تاریخی دوره قاجار و عصر حاضر آمده است و نمی توان صرفاً بر دید گاه رساله مآثر الصّدریه اکتفا نمود و دفاع یک سویه نائینی از وی قابل تردید است .

۴- ارتباط با بهائیت و جریان فراماسونری

پیرامون ارتباط با بهائیت و جریان فراماسونری ، هیچگونه مطلبی در مآثر الصّدریه ذکر نشده ولی بر اساس قرائن و شواهد ، میرزا آقا خان نوری با سرکوب بهائیان از سوی امیر

کبير مخالف بود و در بخش نخست رساله مآثر الصدريه ، اشاره می نماید که امير کبير با اندک ملاحظتی می توانست رفع آن غائله نماید . (نائینی ، ۱۳۸۰ : ۷۳/۱)

ارتباط صميمی ميرزا آقا خان نوری با حسينعلی بهاء - از پيروان محمد علی باب و پایه گذار آيين بهایی در ايران - وجود داشته (بامداد ، ۱۳۷۱ : ۶ / ۱۲۷) و حسينعلی بهاء که در ۱۲۳۰ ش به دستور امير کبير به عراق تبعيد شده بود ، در دوران صدارت ميرزا آقا خان به تهران فراخوانده شد و مورد پذيرایی گرم قرار گرفته و در ده آفجه در بخش شميرانات تهران که از املاک خودش بود اسکان داد . (امانت ، ۱۳۸۳ : ۲۸۸) گویا وی می خواست تيرگی روابط بابیان و دولت را بعد از قتل امير کبير بهبود بخشد ، ولی در سال ۱۲۳۱ ش ، پيروان محمد علی باب ، قصد جان ناصرالدین شاه را نمودند که همین امر مانع مقصود او شد . (محمود محمود ، ۱۳۶۷ : ۲ / ۶۴۰) . پس از توطئه ی قتل نافرجام ناصر الدین شاه توسط بابیان و تعقيب سخت آنها از سوی دربار ، صدر اعظم نوری در صدد پنهان نمودن حسينعلی بهاء برآمد ولی او دستگیر و حبس شد و صدراعظم به نشانه اعتراض در مقام استعفا برآمد که ناصر الدین شاه نپذيرفت (اعتماد السلطنه ، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ، ۱۳۷۹ : ۹۵۷) .

در توجیه روابط ميرزا آقاخان نوری و بابی ها ذکر شده است که در دوران تبعيد ميرزا آقا خان نوری در دوره محمد شاه به کاشان و جریمه ی مالی وی از طرف دربار ، گویا حسينعلی بهاء جریمه ی وی را تأمین نمود و در دوران تبعيد از او حمایت مالی نموده است . (بالیوزی ، ۱۹۸۰ م : ۱۲۹) .

برخی از نویسندگان ، نوری را در مقدمات ایجاد فراموشخانه فراماسونری توسط ملکم خان ارمنی در ايران ، دخيل و مؤثر می شمردند (ناصرالدین شاه قاجار ، ۱۳۷۱ : ۳۸۲ ؛ آدمیت و همکاران ، ۱۳۵۶ : ۶۵) همچنین آقاخان را عضو فراموشخانه ملکم و حتی عضو گراند لژ انگلیس ذکر نموده اند (رائین ، فراموشخانه و فراماسونری در ايران ، ۱۳۵۷ : ۱ / ۵۲۲ - ۵۲۲) که هیچ یک از این موارد در متن رساله مآثر الصدريه نیامده است .

۷ - مهدهعلیا ، شاه را به دست داشتن ميرزا آقاخان نوری در این سوء قصد مظنون کرد و ميرزا آقاخان برای مهربی ساختن خود از نهمت ، بابیان را به طور گسترده دستگیر نمود . (امانت ، ۱۳۸۳ : ۲۹۰) .

نتیجه گیری

نقش مؤثر صدرات اعظمی در ساختار نظام سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دوره پنجاه ساله ناصری، بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست. میرزا آقا خان نوری دومین صدر اعظم دوران ناصرالدین شاه را در دوران صدرات هفت ساله اش، به خیانت متهم نموده اند که معاهده پاریس و جدایی خاک هرات از ایران، توطئه در عزل و تبعید و قتل امیر کبیر، سر سپردگی او به دولت انگلیس از جمله آنهاست. میرزا آقا خان همانند امیر کبیر، از شمّ سیاسی و هوش بالا برخوردار بود و بی تردید نمی توان نقش وی را در مواردی که ذکر گردید، منحصرأ در وجود وی جستجو کرد زیرا که تصمیمات نهایی بدون نظر و موافقت شاه صورت نگرفته است. در میان رجل سیاسی و نویسندگان دوره قاجار، میرزا علینقی نائینی با نوشتن رساله مآثر الصدّریه، از وی به تمام و کمال دفاع نموده و خدمات و اقدامات وی را در راستای منافع کشور ذکر کرده است. رساله مآثر الصدّریه علیرغم اهمیت تاریخی که داراست، ولی در اتهامات فوق الذکر پیرامون میرزا آقا خان نوری، یا سکوت و انکار اختیار نموده و یا تصمیم وی را اجتناب ناپذیر و بر طبق مصالح کشور ارزیابی نموده است. در هر حال تاریخ دوره قاجار و خصوصاً عصر ناصری، نیازمند بازبینی دقیق تر و دوباره نویسی تاریخ در چارچوب های علمی و دانشگاهی در ایران است، زیرا برخی اتهامات میرزا آقا خان نوری کاملاً شفاف نبوده و نویسندگانی در دوره قاجار و بعد از آن، مواردی ضد و نقیض مطرح نموده اند و نمی توان به عنوان نمونه به نوشته محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در صدر التواریخ، پیرامون مشارکت میرزا آقا خان نوری و مهد علیا در قتل امیر کبیر استناد متقن نمود برای اینکه وی نخستین کسی است که این موضوع را مطرح کرده و هیچگونه سند و مدرکی را هم ارائه نکرده است و این موضوع در پرده ای از ابهام همچنان باقی مانده است. دیدگاه نائینی در رساله مآثر الصدّریه نسبت به شخصیت سیاسی میرزا تقی خان فراهانی، همچون رفتار مغرورانه وی با شاه قابل تأیید و بعضی از مواردی که مطرح نموده مورد تردید است. نکته دیگر اینکه، مهم ترین مشکل در تاریخ نویسی این دوره، ناشی از عدم رعایت بی طرفی علمی تاریخ نویسان است و بجز مواردی چند، بیشتر نوشته های این دوران در حقیقت جریان

اختلافات سياسى ميان افراد و گاه احزاب و گروه‌ها و دسته‌هاى سياسى به سود يك طرف و به زيان طرف ديگر به قلم آمده است و به حساب تاريخ و تاريخ‌نويسى گذاشته شده است

منابع و مراجع

۱. آدميت ، فريدون ، (۱۳۶۲) اميرکبير و ايران ، تهران ، انتشارات خوارزمى
۲. آدميت ، فريدون ، ناطق ، هما ، (۱۳۵۶) ، افکار اجتماعى و سياسى واقتصادى درآثار منتشر نشده دوران مشروطه ، تهران ، انتشارات آگاه
۳. اجلالى ، فرزام ، (۱۳۸۴) ، بنیان حکومت قاجار، تهران، نشر نى
۴. اصفهانيان ، کریم و ديگران ، (۱۳۸۵) ، اسناد تاريخى خاندان غفارى ، ۲ جلد ، تهران ، بنياد موقوفات محمود افشار
۵. اعتماد السلطنه ، محمد حسن خان ، (۱۳۵۷) ، صدرالتواریخ ، به کوشش محمدمشیرى ، تهران ، نشر روزبهان
۶. ----- ، (۱۳۷۴) ، المآثر و الآثار ، تصحيح ايرج افشار ، تهران ، انتشارات اساطير
۷. ----- ، (۱۳۵۷) ، خلسه (مشهور به خوابنامه) ، تهران ، انتشارات نقش جهان
۸. ----- ، (۱۳۷۹) ، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه . مقدمه و فهارس از ايرج افشار ، تهران ، انتشارات اميرکبير
۹. افشار يزدى ، محمود ، (۱۳۵۸) ، سياست اروپا در ايران ، ترجمه سيدضياءالدين دهشیرى ، تهران ، انتشارات بنياد افشار يزدى
۱۰. افشارى ، پرويز ، (۱۳۷۲) ، صدراعظم هاى سلسله قاجاريه ، تهران ، انتشارات وزارت خارجه
۱۱. اقبال آشتيائى ، عباس ، (۱۳۹۰) ، ميرزا تقى خان اميرکبير ، تهران ، موسسه انتشارات نگاه

۱۲. امانت، عباس، (۱۳۸۳)، قبله عالم، ناصرالدین شاه و پادشاهی ایران ۱۳۱۳-۱۲۴۷ق، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه و مهرگان
۱۳. امینی، علی‌رضا، (۱۳۸۲)، تاریخ روابط خارجی ایران از قاجاریه تا سقوط شاه، تهران، انتشارات خط سوم
۱۴. بالیوزی، ح. م.، (۱۹۸۰م)، بهاء‌الله شمس حقیقت، ترجمه مینو ثابت، بی‌جا، انتشارات جُرج رولاند
۱۵. بامداد، مهدی، (۱۳۷۱)، شرح حال رجال ایران، تهران، انتشارات زوار
۱۶. بیانی، خان‌بابا، (۱۳۷۵)، پنجاه سال تاریخ ناصری، تهران، انتشارات علم
۱۷. پناهی سمنانی، محمداحمد، (بی‌تا)، امیرکبیر تجلی افتخارات ملی، تهران، نشر کتاب نمونه
۱۸. جمالزاده، محمد علی، (۱۳۷۶)، گنج شایگان، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار
۱۹. حسینی فسایی، میرزا حسن، (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، ۲ جلد، تهران، انتشارات امیر کبیر
۲۰. خان ملک ساسانی، احمد، (۱۳۸۸)، سیاستگران دوره قاجار، تهران، انتشارات هدایت
۲۱. -----، (۱۳۵۲)، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران، انتشارات هدایت
۲۲. خورموجی، جعفر، (۱۳۴۴)، تاریخ قاجار، به کوشش حسین خدیو‌جم، تهران، انتشارات زوار
۲۳. راوندی، مرتضی، (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، ۱۲ جلد، تهران، انتشارات نگاه
۲۴. رایت، دنیس، (۱۳۶۸)، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه‌ی کریم امامی، تهران، انتشارات نو
۲۵. رائین، اسماعیل، (۱۳۵۷)، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر
۲۶. -----، (۱۳۷۳)، حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران، انتشارات علمی
۲۷. زرندی، محمد نبیل، (۱۳۲۴)، تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ترجمه و تلخیص اشراق خاوری، تهران، موسسه ملی مطبوعات
۲۸. سپهر، محمد تقی لسان‌الملک، (۱۳۸۱)، ناسخ التواریخ، ۹ جلدی (بخش قاجار)، تهران، انتشارات اساطیر
۲۹. سرابی، حسین بن عبد الله، (۱۳۶۱)، سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله (مخزن الوقایع)، تحقیق کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی، تهران، انتشارات اساطیر

۳۰. سعادت نوری، حسین، (۱۳۶۴)، رجال دوره قاجار. تهران، انتشارات وحید
۳۱. شمیم، علی اصغر، (۱۳۷۵)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، انتشارات مدیر
۳۲. شیخ نوری، محمدمیر، (۱۳۸۶)، فراز و فرود اصلاحات در عصرامیرکبیر، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی شیل، لیدی مری، (۱۳۶۲)، خاطرات، ترجمه حسین ابو ترابیان، تهران، نشر نو
۳۳. صفائی، ابراهیم، (بی تا)، اسناد سیاسی دوران قاجار، تهران، نشر بابک
۳۴. طباطبائی مجد، غلامرضا، (۱۳۷۳)، معاهدات و قراردادهای تاریخی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار
۳۵. قدیانی، عباس، (۱۳۸۷)، فرهنگ جامع تاریخ ایران، تهران، انتشارات آرون
۳۶. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۴) میرزا نصراله (آقاخان) اعتماد الدوله صدراعظم نوری (بزرگترین قربانی تاریخ نویسی برای قهرمان پروری)، تهران، نشر انتخاب
۳۷. مجدالاسلام کرمانی، احمد، (بی تا)، سفرنامه کلات، انتشارات دانشگاه اصفهان
۳۸. محبوبی اردکانی، حسین، (۱۳۷۴)، چهل سال تاریخ ایران، ۳ جلد، محقق ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر
۳۹. محمود محمود، (۱۳۶۷)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، تهران، انتشارات اقبال
۴۰. مدنی، سیدجلال الدین، (۱۳۶۵)، تاریخ تحولات سیاست و روابط خارجی ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۴۱. مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، تهران، انتشارات زوار
۴۲. مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۷۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر
۴۳. نائینی، میرزا علینقی، (رساله مآثر الصدريه)، به کوشش ایرج افشار، (۱۳۸۰)، دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، ۳ جلدی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
۴۴. ناصرالدین شاه قاجار، (۱۳۷۱)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، محقق فاطمه قاضیها و محمد اسماعیل رضوانی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
۴۵. نجفی، محمد باقر، (۱۳۸۳)، بهائیان، قم، انتشارات مشعر

۴۶. نجفی م ، فقیه‌حقانی م. (۱۳۸۳) ، تاریخ تحولات سیاسی ایران، بررسی مولفه‌های دین-حاکمیت مدنیّت و تکوین دولت و ملت درگستره هویت ملی ایران. تهران ، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۴۷. نیک نژاد ، علیرضا ، (۱۳۸۸) ، میرزا آقاخان نوری، قربانی تاریخ نویسی معاصر ایران، تهران ، نشر انتخاب
۴۸. والی زاده ، محمد رضا ، (۱۳۸۰) ، تاریخ لرستان روزگار قاجار ، تهران انتشارات حروفیه
۴۹. هدایت ، مهدیقلی ، (۱۳۸۵) ، خاطرات و خطرات ، تهران ، انتشارات زوار
۵۰. هوشنگ مهدوی، عبد الرضا ، (۱۳۸۵) ، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم ، تهران ، انتشارات امیر کبیر